

انقلاب اسلامی ایران، لیبرال دموکراسی غرب و فروپاشی نرم‌افزاری اتحاد شوروی

مصطفی ملکوتیان*

محمدجواد محمدی**

چکیده

یکی از عمده‌ترین عوامل فروپاشی شوروی، جنبه نرم‌افزاری است. برخلاف دیدگاه غرب و آمریکا که فروپاشی اتحاد شوروی را به نام خود و اقدامات به‌ویژه نرم‌افزاری و جنگ نرم و رسانه ای خود مصادره می‌کنند، جنبه مغفول‌مانده و بسیار اساسی که در وقوع این حادثه تأثیر شگرفی داشته، پدیده انقلاب اسلامی ایران است. لذا در مورد فروپاشی نرم‌افزاری اتحاد شوروی بایستی دو عامل کلیدی را مورد تدقیق و بررسی قرار داد: ۱. امواج متضاد از انقلاب اسلامی که بیشتر حوزه جمعیتی مسلمانان این اتحاد را دربر می‌گیرد ۲. اقدامات و سازوکارهای جنگ سرد فرهنگی غرب، به‌ویژه آمریکا که حوزه جمعیتی به خصوص غیر مسلمانان را پوشش می‌داد. این پژوهش بر این فرضیه که دو مقوله امواج انقلاب اسلامی ایران و جنگ سرد فرهنگی یا جنگ نرم غرب از شاخصه‌های بنیادین فروپاشی نرم‌افزاری اتحاد شوروی می‌باشد، استوار است.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، اتحاد شوروی، لیبرالیسم، آمریکا، تأثیر امواج انقلاب.

مقدمه

رسانه عبارت است از هر ابزاری برای برقراری ارتباط. رسانه، حامل یا واسط پیام است. «Medium» در زبان انگلیسی، هم به معنای رسانه و هم به معنای واسط است. تلفن، رادیو، فیلم و تلویزیون، نقاشی یا

malakootian@gmail.com

mjavadmohamadi@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۲۴

*. استاد دانشگاه تهران.

** کارشناس ارشد علوم سیاسی (مطالعات منطقه‌ای)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۸/۷

مجسمه‌سازی، چاپ و صدای انسان همگی رسانه یا واسط محسوب می‌شوند. (اینگلیس، ۱۳۷۷: ۳۷) نظریه جامعه توده‌ای با رسانه‌ها و همچنین وسایل ارتباط جمعی به عنوان بخشی از نیروهای اخلاص‌گر برخورد کرد. این نظریه به رسانه‌ها به عنوان قسمتی از فرایند کلی تحولات اجتماعی نظر دارد. این نظریه باعث تقویت این دیدگاه شد که تأثیر رسانه‌ها بر زندگی و کنش انسان‌ها آشکار است و به الگوی «آپول زیبر جلدی» یا «گلوله جادویی» موسوم است و بر این اصل اساسی که بین آنچه مردم می‌بینند، می‌شنوند و می‌خوانند و شیوه رفتارشان ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد، استوار است. (ویلیامز، ۱۳۸۶: ۳۹)

یکی از قوی و با نفوذترین تئوری‌ها در مورد تأثیر رسانه‌ها «نظریه کشت» است که بر اساس بررسی جورج گربنر شکل گرفت. به زعم ایشان، تلویزیون تخم شیوه نگرش خاصی به جهان را در ذهن مخاطبان می‌کارد و تماشای مستمر و مداوم این رسانه انسان‌ها را شبیه به هم کرده و آنها را وامی‌دارد تا واکنش‌های مشابهی را به رخدادهای ملی و بین‌المللی از خود بروز دهند؛ یعنی به عبارتی تلویزیون انسان‌ها و گروه‌های اجتماعی مختلف را «یکسان» می‌سازد. (همان: ۱۹۷)

از زمانی که اقوام سومر بازنمایی‌های خود را بر خشت‌های گلی نگاشتند تا زمانی که هخامنشیان آثار خود را بر کتیبه‌های سنگی به تصویر کشیدند تا کنون که تارنمای نشریات الکترونیکی به عاملی برای خبرپراکنی در سطح جهان بدل شده، نقش رسانه‌ها مدار صعودی و متعالی به خود گرفته و بر گستره وسیعی از جهان سیطره یافته است. رسانه محصول فرهنگ صنعتی و دارای ارتباط مستقیم با فناوری است. آلوین تافلر در موج سوم به سه موج تمدنی اشاره دارد:

اول: کشاورزی؛ دوم: صنعتی و موج سوم که با از هم گسستن خانواده‌ها، متزلزل ساختن اقتصاد، فلج کردن نظام سیاسی و در هم کوبیدن ارزش‌ها بر همه چیز اثر خواهد گذاشت؛ موج سوم به همراه خود، شیوه نوینی از مدل زندگی را خواهد آورد که بر منابع انرژی متنوع و احیای پذیر متبادر است. بر روش‌های تولیدی که تولید انبوه کارخانجات را منسوخ کرده، بر خانواده‌های جدید غیرهسته‌ای و بر نهادهای نوین که می‌توان آن را «کلبه الکترونیک» استوار نمود. این تمدن نوین همان‌گونه که نظام کهنه را به مبارزه می‌طلبید، قدرت دولت ملی را نیز به تحلیل می‌برد. (تاflر، ۱۳۷۴: ۱۶ و ۱۷)

مک لوهان با تأکید بر نقش وسایل ارتباط جمعی و اطلاعاتی، سه مرحله را در تمدن بشر نشان می‌دهد:

۱. دوره قبیله‌ای با فرهنگ شفاهی؛ (بدون خط)

۲. عصر کتابت و الفبا با اختراع ماشین چاپ در ۱۴۵۰؛

۳. عصر الکترونیک و انقلاب اطلاعاتی. (آقایی، ۱۳۸۷: ۹ و ۱۰)

به این ترتیب، رسانه عبارت از مجموعه وسایل ارتباطی است و حامل‌های زیادی را در بر می‌گیرد.

(قزلسفلی، ۱۳۸۸: ۳۲۶)

کوک اذعان می‌دارد که رسانه‌ها به طور روشن موضوعی برای سیاست می‌باشند و رسانه‌ها را بخشی از حکومت دانسته که به قدرت شکل می‌دهند. اکو معتقد است که وسایل ارتباط جمعی به انتقال ایدئولوژی نمی‌پردازند بلکه آنها خود یک ایدئولوژی هستند. برخی از تأثیر رسانه‌ها در عرصه جهانی، با عنوان «امپریالیسم رسانه‌ای» یاد کرده و معتقدند کشورهای غربی رسانه‌های مختلف را برای تحت سلطه در آوردن کشورهای در حال توسعه در جهان به کار می‌گیرند. آنتونی گیدنز ظهور و توسعه سرمایه‌داری را با ایجاد و توسعه ابزارهای کنترل و نظارت از سوی دولت - ملت مرتبط دانسته و هارولد لاسول معتقد به نقش رسانه در تغییر رفتار است. (آقایی، ۱۳۸۷: ۱۰)

به نظر نوام چامسکی نیاز به رام گله وحشی وجود دارد که جز با انقلاب نوین در دموکراسی، ایجاد رضایت میسر نمی‌شود؛ که رامسگری توسط رسانه‌های گروهی، نظام آموزشی و فرهنگ عمومی انجام می‌گیرد. رسانه‌های گروهی تحت تسلط کامل بنگاه‌های مالی انحصارگر اداره می‌شوند؛ بنابراین رسانه‌ها، منعکس کننده افکار صاحبان چرخ‌های ثروت می‌باشند. (چامسکی، ۱۳۸۵: ۲۵ - ۱۴)

دیدگاه‌های واقع‌گرایانه، رسانه را ابزاری در چارچوب منافع و خواست دولت تصور می‌کنند. به نظر کنت والتز، اثرات نقش برتر آمریکا در آموزش‌های جهانی، با سلطه بر رسانه‌های جمعی تقویت و تشدید می‌گردد. این عنصر، قدرت نرم آمریکا و سلاحی توانا و غیر تهدیدآمیز در کوشش برای تسلط بر قلوب و اذهان نخبگان خارجی است. (آقایی، ۱۳۸۷: ۱۷) گرامشی با گسترش رادیو مطرح می‌کند که طبقه حاکم، هژمونی ایدئولوژی را که از طریق رسانه‌های نیرومند خلق می‌شود، در جهت تداوم‌بخشیدن به قدرت، ثروت و مرتبه خود استعمال می‌کند. رسانه‌های خبری به باورها شکل می‌دهند. او معتقد است مردم آن‌گونه که می‌اندیشند جهان را می‌بینند، نه آن‌گونه که جهان در حقیقت وجود خارجی دارد. (همان: ۲۰ - ۱۳)

سیاست دین زدایی اتحاد شوروی

انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ فرصتی بزرگ برای مسلمانان برای استقلال و خودمختاری بیشتر بود. اما دولت جدید هیچ قصدی برای اعطای امتیاز خودمختاری به آنان را نداشت. در ابتدا لنین کوشید تا با وعده «بهشت کمونیسم» و اعطای خودمختاری محدود در مسائل اجتماعی بر اوضاع مسلط شود. به دنبال گسترش موج مخالفت مسلمانان، استالین طرح کوچ اجباری مسلمانان به روسیه و جایگزینی روس‌ها به جای آنان را به اجرا گذارد. پس از انقلاب کمونیستی، موضع آشکار ضد مذهبی شوروی باعث مشکلات زیادی برای مسلمانان گردید. مساجد و مدارس دینی مورد حمله قرار گرفت و تعطیل شد و سیستم موقوفات و محاکم شرعی طی سال‌های ۱۹۲۷ تا ۱۹۳۰ برچیده شد.

سیاست اسلام‌ستیزی شوروی با این ارقام بسیار روشن است. به عنوان مثال از ۲۶۰۰۰ باب مسجد که قبل از انقلاب کمونیستی در شوروی وجود داشت، پس از انقلاب کمونیستی و در پی جنگ جهانی دوم، این

تعداد به ۷۰۰۰ مسجد تقلیل یافت. در اثر اقدامات شدید خروشچف علیه دینداران در فاصله سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۴ میلادی تعداد مساجد در سرزمین گسترده اتحاد شوروی به ۵۰۰ مسجد کاهش یافت و تمامی ۲۴۰۰۰ باب مدرسه تعلیم قرآن تعطیل گردید. در همین فاصله زمانی، تعداد روحانیان مسلمانان از ۴۵۰۰۰ نفر به ۲۰۰۰ نفر تقلیل پیدا کرد و از ۴۵ حوزه علمیه تنها ۲ مدرسه تعلیم علوم اسلامی در شهرهای تاشکند و بخارا به جا ماند که فارغ‌التحصیلان آن مدارس هم در واقع کارمندان صدیق نظام حکومتی شوروی و بخشی از حکومت بودند نه روحانیان مسلمانی که درصدد ترویج اسلام راستین باشند. (محمدی، ۱۳۸۵: ۳۴۴ - ۳۴۲)

انقلاب اسلامی و موج احیاگری اسلامی

امام خمینی می‌فرماید:

اسلام برای یک کشور، برای چند کشور، حتی برای مسلمین نیست. اسلام برای بشر آمده است. همه بشر را اسلام می‌خواهد زیر پوشش عدل خودش قرار دهد. ما امیدواریم این امر به تدریج مهیا شود. (فلاح نژاد، ۱۳۸۴: ۶۵ و ۶۶)

فرد هالیدی می‌نویسد:

انقلاب اسلامی عظیم‌ترین انقلاب تاریخ است و همه می‌دانیم این کار عظیم در پرتو قدرت شخصیت امام خمینی پا گرفت و دست‌های پر قدرت و فرمانده او بود که این امواج عظیم انسانی را به شور و هیجان و خروش وا می‌داشت. (حاجتی، ۱۳۸۲: ۳۹ و ۴۰)

۱. پیش‌بینی بیداری اسلام

آنچه که آرنولد توین بی در سال ۱۹۴۹ در کتاب بوته آزمایش پیش‌بینی کرده بود با پیروزی انقلاب اسلامی عینیت یافت:

پان اسلامیسیم خوابیده است، باین حال ما باید این امکان را درنظر داشته باشیم که اگر پرولتاریای جهان (مستضعفین) بر ضد سلطه غرب به شورش برخیزد و خواستار یک رهبری ضد غربی شود، این خفته بیدار خواهد شد. بانگ این شورش ممکن است در برانگیختن روح نظامی اسلام و حتی اگر این روح به قدر خفتگان هفتگانه در خواب بوده باشد، اثر روحی محاسبه‌ناپذیری داشته باشد؛ زیرا ممکن است پژواک‌های یک عصر قهرمانی را منعکس سازد. اگر وضع کنونی بشر به یک جنگ نژادی منجر شود اسلام ممکن است بار دیگر برای ایفای نقش تاریخی خود قیام کند. (محمدی، ۱۳۸۵: ۵۱۹)

۲. تأثیرات انقلاب اسلامی بر نظریات بین‌الملل و جامعه جهانی

تأثیرات انقلاب اسلامی و حضرت امام را در رخداد بزرگ‌ترین تحول امروز جهان، یعنی ظهور پدیده‌ای جدید

و نیرو و قدرتی ماورای دولت‌های ملی و تأکید بر عدم شناخت محتوای عمیق پیام‌های حضرت امام از سوی دول مختلف جهان از سوی تحلیل‌گران برجسته رویدادهای حال و آینده جهان در غرب، چون آل‌وین تافلر می‌توان جستجو کرد. او می‌نویسد:

اینکه کدام کشور بر جهان قرن ۲۱ مسلط خواهد شد سؤال هیجانی می‌باشد. اما در واقع اساساً طرح این سؤال اشتباه است؛ زیرا بزرگ‌ترین تحول امروز جهان ظهور پدیده‌ای جدید، یعنی نیرو و قدرتی ماورای دولت‌های ملی می‌باشد.

تافلر نمونه‌ای از جریان مذکور را امام خمینی ذکر می‌کند که با استفاده از «نیروی مذهب» بخش قابل توجهی از قدرتی که مدت‌ها در انحصار دولت‌های ملی بود در کنترل و تصرف گرفت. او معتقد است:

وقتی امام خمینی فتوای قتل سلمان رشدی را صادر کردند در واقع برای حکومت‌های دنیا پیامی تاریخی فرستادند که بسیاری از دریافت آن عاجز ماندند و مضمون واقعی پیام امام چیزی نبود مگر فرا رسیدن عصری جدید از حاکمیت جهانی که غربی‌ها باید آن را با دقت مورد نظر و بررسی قرار دهند؛ زیرا در ادامه حرکت امام خمینی قلمرو اندیشه‌های بشری هم جایگاه حکومت‌های دولتی را تغییر می‌دهد و هم اقتدار دولت‌های ملی و محلی را ... (حاجتی، ۱۳۸۲: ۴۷ و ۴۸)

ماروین زونیس در کتاب «شکست شاهانه» می‌نویسد: «او (امام خمینی) توانست پیام رهایی از قید ستم خارجی را به پیام رهایی از انواع ظلم و ستم پیوند دهد... آیت الله خمینی اسلام و خداوند را جایگزین ایالات متحده، به عنوان محبوب اصلی و نهاده شده رژیم ایران کرد». وی تصریح می‌کند: «آثار انقلاب اسلامی، از مرزهای ایران فراتر رفته است. بزرگ‌ترین منبع الهام دهنده برای جنبش‌های سیاسی و اسلامی در خاورمیانه و جهان بوده است». (مجرد، ۱۳۸۶: ۱۲۳)

میشل فوکو می‌نویسد: «من قبول دارم که از قرن ۱۸ به بعد هر تحول اجتماعی اتفاق افتاده بسط مدرنیته بوده اما انقلاب ایران تنها حرکت اجتماعی است که در برابر مدرنیته قرار دارد». در واقع، فوکو می‌پذیرد که انقلاب اسلامی ایران دو سده اقتدار یک اندیشه سیاسی را با همه سوابق چند ساله‌اش به چالش کشانده و این انقلاب حرف تازه‌ای دارد و ویژگی بارز اندیشه حضرت امام علیه السلام همین است. شما در اندیشه‌های سیاسی غرب اگر چه اختلافات زیادی می‌بینید اما همه آنها در یک نقطه مشترک‌اند و آن نفی هویت دینی است. (حاجتی، ۱۳۸۲: ۴۱ و ۴۲) گری سیک، مشاور وقت کاخ سفید در امور ایران در کتاب «زمانی که هر چیز فرو می‌پاشد» می‌نویسد: «از هنگام سقوط شهر سایگون هیچ واقعه‌ای به اندازه انقلاب اسلامی ایران، آمریکا را تحت تأثیر قرار نداده است». (محمدی، ۱۳۸۵: ۸۵)

ایران شناس فرانسوی، کریستال برومبژه می‌نویسد:

انقلاب ایران در هم ریزنده و آزاردهنده است. این انقلاب بلاشک تعادل بلوک (قدرت جهانی) و نیز روابط سلطه اقتصادی و سیاسی را در یکی از طمع برانگیزترین مناطق جهان به هم ریخته است. این انقلاب «مشروعیت» روابط بین‌الملل را زیر سؤال برده است... (محمدی، ۱۳۸۵: ۴۳)

مارگارت تاچر می‌گوید:

ما غربی‌ها در دهه ۱۹۸۰ از وسائل نظامی و ابزار جنگی شوروی و اقمارش واهمه نداریم؛ زیرا اگر بلوک شرق و اعضای پیمان ورشو مجهز به سلاح‌های نظامی بوده و به ادوات مخرب و ویرانگر مسلح می‌باشد، ما نیز به سلاح‌های مدرن و پیشرفته مسلح و مجهزیم؛ لیکن از حضور فرهنگ اسلامی انقلاب ایران نگرانیم. (همان: ۴۶)

هنری کسینجر، وزیر اسبق امور خارجه آمریکا معتقد است: «پیروزی ایران در جنگ [جنگ ایران و عراق] عقاید رادیکالیسم اسلامی را از جنوب شرقی آسیا تا سواحل اقیانوس اطلس گسترش خواهد داد». (همان)

۳. موج انقلاب، انفجار نور و تأثیرات آن در قلمرو شوروی

ایگور بالیف از مقامات شوروی در مقاله‌ای با عنوان «اسلام و سیاست» می‌نویسد:

تنها در شوروی و ایران ۳۸ ایستگاه رادیویی وجود دارد که درباره اسلام و انقلاب برنامه پخش می‌کند. این رادیوها هر چند به طور رسمی تنها در مورد مذهب می‌گویند و وانمود می‌کنند که صدور انقلاب اسلامی تبلیغاتی برای دشمنی و کینه‌توزی نیست، آشکارا آن اهداف را پی می‌گیرد.

بالیف با اشاره به رشد انتشارات مذهبی زیرزمینی و مخفیانه و با روش‌های تبلیغاتی که در انقلاب اسلامی ایران مورد استفاده قرار گرفت، استدلال کرد:

«فرآیند اسلامی شدن» در جریان است. انتشارات مذهبی به طور گسترده تایپ و زیراکس می‌شود و از متون مقدس اسلامی و سخنرانی‌های مقامات مسلمان نوارهای کاست تهیه و ضبط می‌گردد. اینکه بعضی از این نوارهای کاست که به تاجیکستان، ازبکستان و دیگر مناطق می‌رسند، در خارج تهیه و تکثیر شده‌اند، برای من عجیب نیست، دیگر تفاسیر مشابهی که شوروی مطرح می‌کرد نمایانگر حساسیت شدید مسکو در برابر آسیب‌پذیری مسلمانان آسیای مرکزی نسبت به تحرکات مذهبی خارجی و بهره‌برداری قدرت‌های خارجی از این حساسیت بود.

در فاصله سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۱ ایالات متحده و متحدان اروپایی و آسیایی‌اش به صراحت اعلام داشتند که از بابت احتمال توسعه رادیکالیسم اسلامی به جمهوری‌های سابق شوروی نگرانند. غرب مایل نبود ایران به عنوان یکی از بازیگران مؤثر منطقه ظهور کند و برای جلوگیری از نفوذ ایران، به حمایت ترکیه برخاست. در سال ۱۹۹۲ در خلال سفر جیمز بیکر، وزیر خارجه آمریکا به آسیای مرکزی، جلوگیری از نفوذ ایران و بنیادگرایی اسلامی به عنوان رکن اصلی سیاست آمریکا در منطقه اعلان شد. میخائیل گورباچف در واکنش به احیای

رادیکالیسم اسلامی به واسطه انقلاب اسلامی ایران، در ژانویه ۱۹۹۰ خواستار آن شد که ایران از مداخله در امور داخلی آذربایجان و دامن زدن به بنیادگرایی اسلامی در آن کشور خودداری کند. او می‌گوید: «باید با پدیده مذهب به طور جدی و سازش‌ناپذیر مبارزه کرد و باید تبلیغات بیشتری در این جهت صورت گیرد».

تجدید و احیای حیات اسلام به طوری در شوروی جدی بود که روزنامه فرانسوی لوموند در گزارشی می‌نویسد:

موج اسلام‌گرایی و تجدید حیات مذهبی می‌تواند مایه اصلی قدرت سیاسی را در این مناطق تشکیل دهد. در این جمهوری‌ها بار دیگر مساجد فعالیت خود را شروع کرده‌اند و درس‌های قرآنی و اسلامی و آموزش زبان عربی گسترش چشمگیری یافته است.

این نشریه اضافه می‌کند: «در این مناطق، رسیدن به یک حکومت اسلامی از نظر مسلمانان یک امر طبیعی و منطقی است؛ هر چند افراد بی‌دین و غیر مذهبی این نظریه را رد می‌کنند». در گزارش دیگری از لوموند آمده است: «مسلمانان شوروی هم اکنون معتقدند که ایران اسلامی با انقلاب خود توانست اسطوره آمریکا یعنی شیطان بزرگ را در هم شکند؛ پس چرا آنها امیدوار نباشد که روزی بتواند از شر شیطان دوم یعنی سلطه روس‌ها خود را آزاد سازند».

از دیگر عوامل مؤثر در بیداری اسلامی در شوروی، ویژگی‌های مهم حضرت امام خمینی و قدرت کلام، پیام و عمل ایشان بود. این قدرت چنان بود که جهان شاهد تأثیر شگرف ایشان بر میلیون‌ها انسان اعم از مسلمان و حتی غیر مسلمان، از نژادها و قاره‌های گوناگون بود. این الهام‌بخشی در کلام عین‌الدین، مفتی العظم مسلمانان روسیه و امام جمعه مسکو این‌گونه منعکس گردیده است: «تفکرات و اندیشه‌های امام خمینی رحمته‌الله بزرگترین تحول را در جهان اسلام به وجود آورده است. امام با افکار و اندیشه‌های خود به ما هشدار داد که هر نظامی بدون اتکا به معنویت محکوم به فنا است.» راول عین‌الدین معتقد است: «نام، آثار و افکار امام برای مسلمانان جهان و از جمله مسلمانان روسیه الهام‌بخش بوده و همچنان در طول تاریخ راهگشای مسلمانان خواهد بود». یوری ایوانف متفکر و نویسنده روسی، در مورد سازش‌ناپذیری امام می‌گوید:

امام خمینی، ایده سازش را رد می‌کرد. این ایده مسلمانان را به شکیبایی و سازش با غارت‌ها و ستم‌های حکام خارجی دعوت نمی‌کند. وی در مسئله مقابله با بهره‌کشی و بیرون راندن استعمارگران و بهره‌کشان داخلی و خارجی به انگیزه‌های معنوی آسمانی متوسل می‌شد. (محمدی، ۱۳۸۵: ۳۵۲ - ۳۴۹)

فرهاد کلینی از کارشناسان مسائل قفقاز در خصوص تأثیر انقلاب اسلامی بر احساسات استقلال‌طلبی قفقازی‌ها معتقد است:

انقلاب اسلامی باعث ایجاد روحیه مخالفت در کشورهای این منطقه با حاکمیت شوروی و استقلال آنها شد و آنها از انقلاب ایران برای حرکت استقلال‌طلبانه خود الهام می‌گرفتند و این

تأثیرات با توجه به خصوصیات خاص انقلاب اسلامی در نگرش عمیق و برداشت صحیح از توحید، اثرات انقلاب را به شیعیان و مسلمانان محدود نکرده و در ارمنستان نیز نفوذ زیادی داشته؛ به گونه‌ای که مردم ارمنستان بعد از وقوع جنگ تحمیلی [عراق علیه ایران]، اخبار آن را دقیقاً پیگیری می‌کردند. (شفایی، ۱۳۸۸: ۱۶۴)

رهبر کبیر انقلاب در نامه به گورباچف، فرمودند:

برای همه روشن شده است که از این پس کمونیسم را باید در موزه‌های تاریخ جهان جستجو کرد؛ چراکه مارکسیزم جوابگوی هیچ نیازی از نیازهای واقعی انسان نیست؛ چراکه مکتبی مادی و با مادیت نمی‌تواند بشریت را از بحران عدم اعتقاد به معنویت که اساسی‌ترین درد جامعه بشری در شرق و غرب است به درآورد. (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۲۱/۲۲۱)

تلاش دولتمردان شوروی در پنهان ماندن و منتشر نشدن پیام و نامه امام خمینی، نشان از ترس فراوان آنان از عمق تأثیرگذاری فراوان این نامه در جذب مردم به تعالیم دین مبین اسلام داشت. چنان‌که نیکلای میشین، نویسنده مشهور مسیحی روسیه، در این باره می‌گوید:

وقتی امام علیه السلام نامه را خطاب به گورباچف نوشتند دولتمردان وی تلاش کردند متن نامه امام علیه السلام در جامعه منتشر نشود؛ زیرا از تأثیر متن نامه امام در جامعه هراس داشتند. در عین حال، یک روزنامه به نام «زافترا» نامه را به همت الکساندر پروخانف به چاپ رساند. (مجرد، ۱۳۸۶: ۱۱۶)

فیدل کاسترو رهبر انقلاب کوبا می‌گوید:

پس از فروپاشی شوروی سابق به صحت توصیه‌های آیت‌الله خمینی به گورباچف پی بردم و معتقدم مدل قرآنی رهبر فقید ایران باید به جای مدل‌های غربی در دستور کار برنامه‌های جهانی قرار گیرد... (بیکی، ۱۳۸۸: ۱۳۹)

۴. تأثیر انقلاب اسلامی بر جامعه شوروی

یک. افزایش توجه به خدا و آیین‌های مذهبی در میان مردم: در سایه اقدامات انقلاب اسلامی، توجه به خدا و آیین‌های مذهبی، به خصوص آیین‌های اسلامی، در میان مردم جامعه اتحاد شوروی افزایش یافت. در نیمه دهه ۱۹۸۰ روزنامه‌های محلی حاوی گزارش‌هایی از افزایش ازدواج‌های مذهبی در این کشور بود. به علاوه بحث افزایش وقوع و میزان تدفین اسلامی مطرح بود و سرستون‌های گرانبی و مرمر مزین به خطوط اسلامی و حتی آیات قرآنی، توسط دست‌اندرکاران کارهای ساختمانی تهیه می‌شد که هر یک بین ۵۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ روبل به فروش می‌رسید.

در دهه ۱۹۸۰ محققان شوروی پذیرفتند که تعطیلات اصلی اسلامی، عید قربان و عید فطر، وقایع اجتماعی مهمی در نواحی روستایی و همچنین در نواحی شهری است. در دو عید قربان و فطر، مساجد بیش

از ظرفیت خود پر می‌شوند و صدها و گاهی هزاران نفر از مردم در مساجد گرد هم می‌آیند. مراسم میلاد پیامبر اکرم نیز در مناطق مسلمان‌نشین اتحاد شوروی به جا آورده می‌شود. شوروی‌ها در گذشته همواره از محو عملی روزه‌گیری در ماه رمضان به خود می‌بالیدند، اما اینک تأکید می‌شود که در سرتاسر آسیای مرکزی، رمضان زمان رعایت اعمال مذهبی است. بنابراین، برنامه‌های تبلیغاتی اسلامی از سوی ایران، به نفوذ آهنگ و جهت احیای مذهبی در آسیای مرکزی کمک کرده است.

علاوه بر برنامه‌های تبلیغاتی از سوی ایران، واکنش محتاطانه و در عین حال کاملاً خوش‌بینانه اتحاد شوروی به انقلاب اسلامی ایران، زمینه گسترش تمایلات مذهبی را در میان مردم فراهم کرد؛ چراکه شوروی امیدوار بود ویژگی ضد غربی بودن انقلاب اسلامی، به چرخش موازنه استراتژیک در خلیج فارس به نفع اتحاد شوروی سوسیالیستی کمک کند.

دو. اعطای آزادی‌های سیاسی از طرف دولت به مردم: طبق آرمان‌های مارکس، انسان در زندگی اجتماعی و تاریخ، همچون کارگزار بوده و فاقد هرگونه اختیار و اراده است، لیکن در سایه گسترش تمایلات مذهبی در مردم اتحاد شوروی - که عمدتاً تحت تأثیر امواج و جاذبه‌های انقلاب اسلامی بود - توجه به نقش اراده و اختیار انسان در زندگی اجتماعی افزایش یافت و همین امر زمینه‌سازی برای اجرای برنامه گلاسنوست (فضای باز سیاسی) توسط گورباچف در شوروی شد و وی ناچار به اعطای برخی آزادی‌های سیاسی به مردم گردید.

۳. گسترش مکان‌های مذهبی در شوروی: نقش تأثیرگذار نامه تاریخی امام علیه السلام به میخائیل گورباچف، باعث شد تا وی اصلاحاتی را در دهه ۱۹۸۰ در دستور کار خود قرار دهد. گورباچف در برنامه اصلاحات خود، آزادی بیان و آزادی عقیده و ادیان را گنجانده بود و همین امر، در روند معنویت‌گرایی و توجه مردم به اسلام، تأثیر شگرفی گذاشت و باعث شد تا بر تعداد مساجد و کلیساها افزوده گردد. گورباچف در این زمینه می‌گوید:

امروز که من شاهد این اوضاع (فروپاشی) هستم، پیام آیت‌الله خمینی در ذهنم نقش می‌بندد که او گفته بود؛ من مارکسیسم را به زودی در موزه‌های تاریخ می‌بینم. من از همان زمان تصمیم گرفتم حرکتی را آغاز کنم، لذا اصلاحات انجام دادیم. آزادی سخن و بیان دادیم. تعداد مساجد و کلیساها افزایش یافت. ما به مردم ابتکار شخصی برای زندگی دادیم. (مجرد، ۱۳۸۶: ۱۱۶ و ۱۱۷؛ داستانی بیرکی، ۱۳۸۶: ۳۷۸ و ۳۷۹)

نخستین نشانه‌های استقلال معنوی در بیداری اسلامی، ساختن مساجد جدید بود. در اکتبر ۱۹۹۰ تعداد مساجد موجود در قزاقستان ۵۰، ترکمنستان ۳۰، تاجیکستان ۴۰ و ازبکستان ۹۰ مسجد بود. در صورتی که در سال ۱۹۸۹ در قزاقستان ۱۵، تاجیکستان ۱۷ و ازبکستان ۳۷ مسجد وجود داشت. در شهر تاشکند ۳۰ مسجد جدید ساخته شد در حالی که در سال ۱۹۸۹، ۲ مسجد وجود داشت. تا اکتبر ۱۹۹۱ در هر جمهوری بیش از یک هزار مسجد ایجاد شد و هر روز یک مسجد جدید تأسیس می‌گردید. (محمدی، ۱۳۸۵: ۳۵۶)

مارتا بریل الکات در کتاب «آسیای مرکزی شوروی: آیا مسکو از نفوذ ایران می‌هراسد؟»، می‌نویسد:

مطمئناً انقلاب ایران اثراتی داشت؛ حداقل برای کسانی که در آسیای مرکزی به رادیوهای موج کوتاه دسترسی داشتند، مدلی امروزی از جامعه اسلامی فراهم آورد که با شناخت تضعیف شده آنان از گذشته اسلامی خود هماهنگ بود. انقلاب اسلامی و اصلاحات گورباچف در جهت تشدید خواسته‌های مسلمانان علیه دولت عمل کرد. احساسات احیاگرایانه اسلامی از پیش نیرویی مؤثر بود، اما اطلاعات و آموزش درباره اسلام، پس از انقلاب اسلامی، به‌ویژه در ترکمنستان و تاجیکستان بسیار افزایش یافت. با اجرای گلاسنوست، تقاضاهای بیشتری در جهت تجدید شدن رسمی آموزش‌های اسلامی و اعمال عبادی مطرح شد. خیزش عمومی ناشی از اصلاحات، تنش‌های قومی را نیز در جمهوری‌های آذربایجان، ازبکستان و تاجیکستان تشدید کرد.

در نیمه دهه ۱۹۸۰، روزنامه‌های محلی آسیای مرکزی حاوی گزارش‌هایی از افزایش ازدواج مذهبی بود. شوروی که همواره از محور روزه‌گیری در ماه مبارک رمضان به خود می‌بالید اما اینک تأیید شده که در سرتاسر آسیای مرکزی، رمضان زمان رعایت اعمال مذهبی است. پولیاکف اظهار می‌دارد که مدارس مذهبی و مساجد در همه سکونت‌گاه‌های روستایی ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان وجود دارد.

در دهه ۸۰ اکثر تحلیل‌گران اسلام در شوروی اعتقاد داشتند که احیاگری در آسیای مرکزی محدود و مهار شدنی است و تهدید سیاسی مستقیمی علیه دولت محسوب نمی‌شود. از زمان روی کار آمدن گورباچف، حزب کمونیست در نگرش خود نسبت به احیاگری اسلامی در این منطقه آسیای مرکزی تجدید نظر کرد.

در اواخر سال ۱۹۸۷ برای رهبری شوروی کاملاً آشکار شد که بزرگترین تهدید رودرروی مسکو از ناحیه «دشمنان» درون اتحادیه شوروی است. موج فزاینده اعتراضات ناسیونالیستی در سراسر کشور در حال گسترش بود. اسلام مشکلات ویژه‌ای را برای شوروی‌ها در برداشت. گورباچف اسلام را نه صرفاً یک آیین بلکه مدلی برای زندگی و مانعی اساسی بر سر راه اهداف اقتصادی و اجتماعی شوروی می‌داند. وی به مردم آسیای مرکزی همان آزادی‌های مذهبی اعطا شده به مسیحیان را نمی‌دهد. عمل به اسلام تنها زمانی تحمل خواهد شد که پیام تبلیغ آن با برنامه اصلاحی مسکو سازگار باشد. (الکات، ۱۳۸۸: ۲۴۰ - ۲۲۵)

در برخورد‌های ۱۹۸۸ میان ارامنه و آذربایجانی‌ها، اکثر تظاهرات‌کنندگان تصاویری از آیت‌الله خمینی در دست داشتند. در شورش‌های اواخر سال ۱۹۸۹ و اوایل ۱۹۹۰ آذربایجانی‌های مسلمان خواستار برچیده و حذف مرز رسمی با ایران بودند. (اسپوزیتو، ۱۳۸۸: ۲۶)

جنگ شوروی در افغانستان در سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۹ و فرو رفتن در باتلاق افغانستان که در واکنش و ترس از گسترش موج انقلاب اسلامی ایران به این کشور تحلیل می‌شود، در بازیابی احساسات وحدت ملی این کشور نقش اساسی داشت. این جنگ، محرکی بزرگ برای احیای فرهنگی در تاجیکستان شوروی گردید.

انقلاب اسلامی ایران، لیبرال دموکراسی غرب و فروپاشی نرم‌افزاری اتحاد شوروی □ ۵۹

همراه با مترجمانی که از جنگ افغانستان برمی‌گشتند، سیل کتاب‌های ناباب در شوروی، نشریه‌های ایرانی و افغانی در زمینه‌های ادبیات کهن و معاصر دنیوی و اخروی، مجله‌های فرهنگی و پژوهشی، نوارهای موسیقی سنتی و جدید با صدای خوانندگان معروف فارسی‌زبان در تاجیکستان وارد شد. (شکور، ۱۳۸۶: ۱۸۴ و ۱۸۵) فروپاشی شوروی را می‌توان نمونه‌ای از کارکرد رسانه برشمرد و گفت: عنصر قدرت نرم پس از شوروی شروع شده است. (بیکی، ۱۳۸۸: ۴۱) الکساندر پرخانوف از مشاهیر شوروی می‌گوید:

غرب برای دستیابی به اهداف خود در شوروی، نیازمند تغییر عقاید و باورهای مردم شوروی بود. لازم نبود که شوروی را با راکت و بمب اتمی به فروپاشی برسانند، بلکه با تحولاتی که توسط رسانه‌های گروهی در عقاید و باورهای مردم به وجود آوردند به این مهم نائل شدند.

برژینسکی در کتاب «شکست بزرگ» می‌نویسد:

ما نه روی قدرت سیاسی و نه روی قدرت نظامی و اقتصادی تکیه کردیم، ما تنها از طریق فرهنگ و استفاده مؤثر از رسانه‌ها توانستیم به این هدف برسیم. رسانه‌هایی که به صورت هدفمند و متمرکز بر نفوذ به درون شوروی به راه انداخته شدند. (رنجبران، ۱۳۸۸: ۱۱)

مؤلفه‌های نرم‌افزاری ایالات متحده آمریکا و غرب در مواجهه با اتحاد شوروی

۱. مبادلات دانشجویی

به عقیده نای، شماری از دانشجویانی که در ابتدا از شوروی به آمریکا رفته بودند در موقعیت‌های قدرت قرار گرفتند و نقش مهم و اساسی را در فروپاشی شوروی ایفا کردند. نای، قدرت نرم آمریکا در جنگ سرد را موفق‌تر و مؤثرتر از قدرت سخت این کشور در فروپاشی تسلیحاتی بین دو بلوک دانسته است. به زعم ایشان مدت‌ها پیش از سقوط دیوار برلین در ۱۹۸۹، این دیوار به واسطه تلویزیون و فیلم‌ها شکاف برداشته بود. نای می‌گوید:

چکش و بولدوزر - قدرت سخت - نمی‌توانستند بدون سال‌های طولانی ارسال تصاویر فرهنگ مردمی غرب به آن سوی دیوار، آن را بشکنند. (نای، ۱۳۸۷: ۱۰۸)

از سال ۱۹۵۰ نهادهای علمی مختلفی چون بنیاد فورد، انجمن دانشمندان و انجمن تحقیقات علوم اجتماعی با ۱۱۰ دانشگاه و دانشکده آمریکایی در زمینه مبادله دانشجو و اساتید همکاری می‌کردند. علی‌رغم درخواست شوروی برای توافقنامه به منظور تحدید این مبادلات بین سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹۸۸ در مجموع ۵۰ هزار نفر اتباع شوروی از آمریکا بازدید کردند که شامل نویسندگان، خبرنگاران، مقامات سیاسی، موسیقی‌دانان، رقص‌ها، ورزشکاران و دانشگاہیان می‌شد. تعداد آمریکایی‌هایی که به شوروی رفتند از این رقم بیشتر بود. الکساندر یاخلف^۱ تحت تأثیر شدید استاد علوم سیاسی دوران تحصیلش در دانشگاه کلمبیا در سال ۱۹۵۸،

1. Yakovlev.

یعنی دیوید ترومن (سی و سومین رئیس‌جمهور آمریکا) قرار داشت. او سرانجام یکی از اعضای پولیت بورو و از روشنفکران کلیدی در دوره گورباچف شد. الگ کالوگین از هم‌شاگردان وی و از مقامات بلندپایه کا.گ.ب گفته است که با نگاهی به گذشته و قبل از سال ۱۹۹۷ می‌توان دریافت که مبادلات دانشگاهی برای شوروی همچون اسب تروا بود. این مبادلات نقش عمده‌ای را در فرسایش سیستم شوروی ایفا کردند. این جذابیت و قدرت نرم حاصل از تماس فرهنگی میان نخبگان، نقش مهمی را در اهداف سیاسی آمریکا ایفا می‌کرد. (همان: ۱۰۳ و ۱۰۴)

۲. فیلم

سانسور فیلم‌های غربی، حتی فیلم‌هایی که از فیلم‌ها می‌گذشتند، توانایی تأثیرات سیاسی مخربی داشتند. یکی از خبرنگاران شوروی بعد از نمایش محدود دو فیلم سینمایی به نام‌های روی ساحل و دکتر استرانگلو - هر دو فیلم نگاهی انتقادی به سیاست سلاح هسته‌ای آمریکا داشتند - می‌گوید: «این فیلم‌ها ما را کاملاً شوکه کردند ... ما تازه دریافتیم که همان چیزی که در فیلم بعد از یک جنگ هسته‌ای برای آنها اتفاق افتاد برای ما هم ممکن است اتفاق بیفتد». مردم شوروی فیلم‌هایی با موضوع سیاسی تماشا می‌کردند ولی می‌آموختند که مردم غرب برای خرید غذا مجبور نبودند در صف‌های طولانی بایستند و در آپارتمان‌های اشتراکی زندگی کنند؛ صاحب ماشین‌های خود بوده و همه این تبلیغات منفی، رسانه‌های دولتی شوروی را بی‌اعتبار می‌کرد. علی‌رغم کوشش شوروی برای محدودیت، حتی موسیقی‌های راک - اند - رول نیز نقش ایفا می‌کردند. یکی از دستیاران گورباچف بعدها اذعان می‌کند که گروه موسیقی بیتلر راه آرام ما برای اعتراض به سیستم بود؛ زیرا اکثر درخواست‌های ما با آن تطبیق داشت. یکی از مقامات عالی‌رتبه حزب کمونیست تأثیرات سیاسی را به خوبی بیان می‌کند: «من، گورباچف و همه دارای دو ایدئولوژی بودیم. ما همیشه مجبور بودیم که در افکار خود بین حقیقت و شعار توازن ایجاد کنیم». (نای، ۱۳۸۷: ۱۰۸ و ۱۰۹)

در جنگ سرد، ترکیبی از قدرت سخت و نرم بود که پیروز شد. قدرت سخت، قدرت نظامی بازدارنده ایجاد کرد اما قدرت نرم سیستم شوروی را از درون دچار فرسایش کرد. (همان: ۱۱ - ۹) هم امپراتوری بریتانیا و هم شوروی به علت اینکه قدرت مشروعیت خود را در میان مردمشان از دست دادند، رو به سقوط نهادند. در بریتانیا دیگر اندیشه برتری نژاد سفید اعتباری نداشت و فرسوده شدن ایدئولوژی کمونیست تحت حکومت گورباچف به پایان این امپراتوری کمک کرد؛ کسی که دریافت دیگر شمار تانک‌ها نمی‌توانند کنترل شوروی را بر «ماهواره‌های» اروپای مرکزی حفظ کند. (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۱۰۹)

آمریکا در دهه ۱۹۵۰ فیلم‌های ضد کمونیستی: کابوس سرخ، تهدید سرخ، حمله آمریکا، من در اف. بی. آی، یک کمونیست بودم، مریخ سرخ، پرده آهنین، پسر من، جان، حمله مرد و دزدها و ... را ساخت. (ساندرس، ۱۳۸۲: ۴۶۳) والت وایمن، فیلم را به عنوان قوی‌ترین وجه پیام آمریکا تشخیص می‌دهد.

او می‌گوید:

هر کس بخواهد آمریکا را درک کند ابتدا باید مفهوم و برداشت مردم‌سالاری را از زمینه‌های فرهنگی و به طور کلی بشری منتقل کند ... هیچ مروجی قوی‌تر از سینما، برای مردم سالاری وجود ندارد، سینما کشور را از پایین تا بالا با یک نگاه مشترک به زندگی آشنا می‌کند. احتمالاً پرنفوذترین کتاب قرن ۱۹ «کلبه عمو تام (تم)» نوشته «هریت بیچر استو» بود که اولین بار در سال ۱۸۵۲ منتشر شد که ظلم و تحقیر در حق بردگان را به تصویر می‌کشد. در طول جنگ سرد برده‌داری عمو تام بود که برای ارجاع به کمونیست استفاده می‌شد. آمریکا به دلیل آزادسازی بردگان به عنوان یک قدرت مترقی که هم از آزادی و هم از تجدد دفاع کرد، شناسانده می‌شد. (میلسن و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۷۳-۲۷۱)

۳. موسیقی

موسیقی «جاز» و «راک» در نمای کمونیست شکاف ایجاد کرد و با آزادی‌های غربی ارتباط برقرار ساخت. موسیقی غربی از طریق برنامه شبانه «موسیقی ایالات متحده» که ویلسن کانور از ۱۹۵۵ تا ۱۹۹۶، یعنی زمان مرگش اجرا کرد، در پرده آهین نفوذ کرد. کانور که در آمریکا کمتر شناخته شده است برای اکثر جهانیان نماد «صدای آمریکا» بود. یکی از شنوندگان روسی تجربه خود را این‌چنین بیان می‌کند:

ما هر شب درب‌ها و پنجره‌ها را می‌بستیم و برنامه ویلسن کانور را روشن می‌کردیم و برای دو ساعت آزادی را احساس می‌کردیم.

آندراس سیمونی در سخنرانی خود با عنوان «راکینگ برای جهان آزاد: چگونه موسیقی راک به فرو ریختن پرده آهین کمک کرد»، گفت:

موسیقی راک اینترنت‌های دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۷۰ بود. این موسیقی حاصل آزادی بود ... گفتگوی فرهنگی راک یک عنصر اساسی در آماده کردن جوامع کمونیستی و نزدیک‌تر کردن آنها به جهان آزاد بود.

مفسران ملل گوناگون، اعتبار فرهنگ عامه، به‌ویژه راک را در کمک به تسریع نابودی کمونیسم پذیرفته‌اند. جاز و راک یک همتای بصری نیز داشت و آن فیلم‌هایی چون روی اسکله، شورش بدون دلیل و دکتر استرانگلاو بود. (همان: ۲۸۰ - ۲۷۷)

۴. جنگ رسانه‌ای

جنگ رسانه‌ای استفاده از رسانه‌ها برای تضعیف کشور هدف و بهره‌گیری از توان و ظرفیت رسانه‌ها (اعم از مطبوعات، خبرگزاری‌ها، رادیو، تلویزیون، اینترنت و اصول تبلیغات) به منظور دفاع از منافع ملی است. (ضیایی‌پرور، ۱۳۸۳: ۱۱) برخلاف طنز مشهور مارشال مک لوهان که می‌گوید: «رسانه، پیغام است» پیام‌های

رسانه‌های در مواقع جنگی اغلب از منافع مالکان و مدیران پیروی می‌کند. رسانه‌های دولتی، خط مشی‌های دولتی را دنبال کنند. (کمالی‌پور، ۱۳۸۶: ۲۸۹)

در سال ۱۹۴۲ «شبکه رادیویی صدای آمریکا» افتتاح شد. دو رادیوی «صدای اروپای آزاد» و «رادیو آزادی» نیز وابسته به رادیو «صدای آمریکا» بودند که کشورهای اروپایی شرقی و روسیه را از پشت پرده‌های آهنین هدف قرار داده بودند. این سه رادیو یاور آمریکا در پیروزی در جنگ سرد به شمار می‌آمدند. (Johson and Dale, 2003)

کمیته خطر جاری در دهه ۱۹۷۰ در جنگ سرد توسط گروهی از سناتورهای آمریکایی، مسئولان ارشد وزارت خارجه، اساتید علوم سیاسی، مؤسسه آمریکایی امریکن اینترپرایز و گروهی از مدیران با سابقه سیا و پنتاگون تأسیس شد. هدف، خروج از بن بست جنگ سرد میان دو ابرقدرت بود. اعضای این کمیته با منتفی دانستن جنگ سخت میان دو ابر قدرت، تنها راه به زانو درآوردن حریف را در نبرد و جنگ، فروپاشی از درون به اجرا در آوردند. راهکارهای آنان راهبرد مهار، نبرد رسانه‌ای و ساماندهی نافرمانی مدنی بود. (نائینی، ۱۳۸۸: ۱۰۱)

نیکسون رئیس‌جمهور اسبق آمریکا تصریح می‌کند: «ما در رقابت با شوروی، باید در دو جنبه پیروز شویم، اقتصاد و ایدئولوژی». (سراج، ۱۳۸۸: ۴۶۱ و ۴۶۲) سیدنی هوک در سال ۱۹۴۹ به مقامات آمریکایی می‌گوید:

یکصد میلیون دلار و یک هزار انسان مصمم در اختیار من قرار دهید، تضمین می‌کنم که چنان موجی از ناآرامی‌های دموکراتیک در میان توده‌ها، بلکه حتی در میان سربازان استالین ایجاد کنم که برای مدتی طولانی، تمامی دغدغه وی به مسائل داخلی معطوف شود. (نائینی، ۱۳۸۸: ۵۴۲)

در هالیوود مأموران سیا کارگردانان را به هرچه بیشتر نمایش دادن سپاه پوستان در فیلم‌ها ترغیب می‌کردند تا آمریکا را جامعه آزاد دموکرات معرفی کنند. فیلم مزرعه حیوانات و ۱۹۸۴ با هزینه سیا تهیه شد. ساندرس در کتاب جنگ سرد فرهنگی، کارل پوپر، توماس کوهن، آرتور کوستلر و هنری لوس و ... را جنگجویان شوالیه‌های جنگ سرد فرهنگی می‌نامد و بر اساس شواهد این کتاب در این دوران حداقل ۱۵۰ هزار آموزگار، استاد دانشگاه، رهبر اتحادیه کارگری، کشیش و روحانی به قتل رسیدند. (امیری، ۱۳۸۸: ۱۱۵)

تقابل استراتژیک میان اندیشه دینی - اسلامی و لیبرالیسم - کمونیسم

نبرد اندیشه‌های مارکسیستی و لیبرالیستی پس از موضوعیت یافتن کمونیسم در کشور شوروی تشدید می‌گردد اما این دو نحله فکری بر خلاف تصور رایج بر پایه تقابل صددرصدی نبود؛ چون هردو از آب‌شخور و فضای مدرنیته و بنیاد هر دو، تفکر اومانیستی و مادی‌گرایی بوده است. چنان‌که در جنگ جهانی دوم متفق می‌شوند و پس از آن نیز در فضای جنگ سرد با یکدیگر ادامه حیات می‌دهند. اما وقتی اندیشه‌ای از جنس دین در

قالب نظام مقدس جمهوری اسلامی پدید می‌آید که نه بر اساس اصالت انسان که بر اساس اصالت خدا بنیاد نهاده می‌شود. تخصص اساسی شکل می‌گیرد و فضای دو قطبی و ایدئولوژیک مبتنی بر تفکر الهی و مادی‌گری رقم می‌خورد. (محمدی، ۱۳۹۰: ۶۷ و ۶۸)

در گذشته، سه گول فکری جامعه‌شناسی؛ یعنی مارکس، دورکیم و ماکس وبر، با کم و بیش اختلافاتی، فرآیند عمومی جهان را به سمت سکولاریزاسیون و به حاشیه رفتن دین می‌دیدند، ولی از آغاز دهه هشتاد و با انقلاب اسلامی ایران، شاهد تحقق عکس این قضیه هستیم؛ یعنی فرآیند عمومی جهان، روند معکوسی را آغاز و به سمت دینی شدن می‌رود. (گیدنز، ۱۳۷۴: ۷۵)

خروش‌چف در سخنرانی خود در کنگره بیستم (۱۹۵۶)، اجتناب ناپذیری جنگ بین سوسیالیسم و سرمایه‌داری را رها کرد و نظریه تخصص ایدئولوژیک را طرح کرد. از نظر او جنگ به عنوان ابزار حل و فصل منازعات باید کنار گذاشته می‌شد. (کولایی، ۱۳۷۹: ۲۵) انقلاب اسلامی زلزله عظیمی بود که دو تفکر کمونیسم و لیبرالیسم را در بسیاری از مسائل و نزاع‌ها به‌ویژه در مورد ایران به هم‌گرایی رسانید. به دنبال نشست مسکو میان آمریکا و شوروی و اسقاط هواپیمای مسافربری ایران بود که قطعنامه ۵۹۸ پذیرفته می‌شود. (نقیب زاده، ۱۳۸۴: ۲۸۶) استقلال از قدرت‌های غربی و شرقی، بخشی از ایدئولوژی انقلاب اسلامی را تشکیل داده است. (ملکوئیان، ۱۳۸۹: ۳۰۱) از همین زمان بود که آمریکا و شوروی به عنوان حافظان وضع موجود، متوجه شدند که این پدیده جدید (انقلاب اسلامی) نه تنها به اراده و میل آنها بستگی ندارد، بلکه به عنوان مهم‌ترین و بزرگ‌ترین خطر برای حاکمیت و رهبری آنان ظهور کرده است و نظم موجود و پذیرفته شده بعد از جنگ دوم جهانی را به هم می‌ریزد. لذا از این زمان بود که ابرقدرت‌هایی که تصور بر منازعه تمام عیار میان آنها می‌رفت، به هم نزدیک شده و در برابر پدیده نوین موضع واحدی اتخاذ کنند. اتخاذ موضع مشترک به‌ویژه در جریان جنگ عراق علیه ایران عینیت یافت. وزیر امور خارجه آمریکا در این زمینه می‌گوید:

جنگ ایران و عراق یکی از مسائلی است که به صورت بخشی از تناقضات در تضادهای شرق و غرب در نیامد و آمریکا و روسیه در این زمینه اشتراک منافع با یکدیگر دارند. (محمدی، ۱۳۸۵: ۹۴ - ۹۲)

میشل فوکو در رابطه با تأثیر انقلاب اسلامی بر نظام جهانی چنین می‌گوید:

[این انقلاب] قیام انسان‌های دست خالی است که می‌خواهند باری که بر پشت همه ما و به‌ویژه بر پشت ایشان، بر پشت این کارگران نفت، این کشاورزهای مرزهای میان امپراتوری‌ها، سنگینی می‌کند از میان بردارند. بار نظم جهانی را، شاید این نخستین قیام بزرگ بر ضد نظام جهانی باشد. مدرن‌ترین و دیوانه‌ترین صورت شورش. (همان: ۹۵ و ۹۶)

نیکسون رئیس‌جمهور اسبق آمریکا در ترسیم خطوط استراتژی جهانی آمریکا در قرن آینده خاطرنشان می‌کند:

تغییر در جهان سوم آغاز شده و بادهای آن به مرحله طوفان رسیده است و ما قادر نیستیم آن

را متوقف کنیم. در جهان اسلام بنیادگرایی اسلام جای کمونیسم را به عنوان وسیله اصلی دگرگونی سیاسی قهرآمیز گرفته است. (همان: ۱۰۳)

زمانی که اجلاس سران ناتو در واشنگتن در سال ۱۹۹۱ به مناسبت پنجاهمین سالگرد تشکیل این سازمان برگزار شد، مهم‌ترین اولویت پیمان ناتو با مفهوم استراتژی نوین جنگ علیه تروریسم، جایگزین جنگ علیه کمونیسم شد. در مباحثی که در این اجلاس مطرح شد قانون تروریسم، جهان اسلام به‌ویژه خاورمیانه به عنوان محور تعارض با منافع ناتو، معرفی و جنگ علیه تهدید سبز (جهان اسلام) جایگزین جنگ علیه تهدید سرخ (کمونیسم) شد.

جان گالوین فرمانده نیروهای ناتو در سال ۱۹۹۲ در این خصوص می‌گوید:

ما جنگ سرد را از روسیه کمونیسم بردیم، حال می‌توانیم به نبرد واقعی خود که قدمتی ۱۴۰۰ ساله دارد و همانا رویارویی با اسلام است، بازگردیم. هدف نهایی جنگ با تروریسم باید مدرنیته کردن اسلام یا دین‌سازی باشد.

پیش از فروپاشی شوروی، ریگان لقب امپراتور شرور را به اتحاد شوروی داد و پس از آن دولت جرج بوش از کشورهایی چون ایران و عراق با عنوان کشورهای پلید (شرور) نام برد. پس از فروپاشی شوروی، آمریکا سعی می‌کند کشورها و گروه‌های مسلمان را بزرگ‌ترین خطر برای صلح جهانی معرفی کند؛ چراکه به قول نظریه‌پردازان آنها، آمریکا اکنون به جای اژدهای بزرگ با مارهای سمی پرشماری روبه‌روست. یا به قول هنری کسینجر با اسلام سیاسی به رهبری جمهوری اسلامی ایران. (عرب، ۱۳۹۰)

فروپاشی شوروی برآیند دو اندیشه اسلامی و لیبرالی

فروپاشی شوروی برآیند دو ساحت جنگ نرم و رسانه‌ای آمریکا و امواج متصاعد از انقلاب اسلامی ایران است. با تدقیق و توجه به این مسئله که ایالات متحده با تحلیل و شناخت نظریه‌ها و منطبق تحولات و برنامه‌ریزی بر مبنای گسست نسل‌ها می‌دانند که چه اتفاقاتی در حال وقوع می‌باشد و از آن بهره برداری می‌کنند، (موسوی، ۱۳۸۴: ۱۵۸) مخاطب این اقدامات در حوزه قلمرو شوروی بیشتر غیر مسلمانان را دربر می‌گیرد.

از طرفی دیگر موج پرقدرتی که از احیای اسلامی انقلاب ایران طلوع نمود، گستره و منظومه فکری به‌ویژه مسلمانان را دربر گرفت که البته مسائل سال‌های آتی اسلام‌خواهی را به عنوان چالش عمده نخبگان واحدهای سیاسی معرفی کرد. با در نظر گرفتن دو مقوله لیبرالیسم و اسلام که پیکره محتضر کمونیسم را جولانگاه خویش قرار دادند، سیاست‌های هفتاد ساله که گویا احساس مشترکی در بخش‌های اتحادیه شوروی متبادر شده بود، با روی کار آمدن کاتالیزور و شتابدهنده‌ای چون گورباچف و طرح اقتصادی پرستوریکا و طرح سیاسی گلاسنوست، آزادی رسانه‌ها، رفع سانسور و ... زمینه بازگشت به خویشتن را برای مردم شوروی

هموار نمود. اتحاد شوروی در زمان گورباچف بیماری را می‌ماند که از دو سمت اسلام و لیبرالیسم مورد حمله قرار گرفته و خود را از ترس اسلام به دامان لیبرالیسم می‌اندازد و این فروپاشی، فروپاشی بنیان‌های عقیدتی و فکری بود؛ قبل از آن که فروپاشی سیاسی باشد.

امام خمینی فرمودند:

جناب آقای گرباچف، باید به حقیقت رو آورد. مشکل اصلی کشور شما مسئله مالکیت و اقتصاد و آزادی نیست. مشکل شما عدم اعتقاد واقعی به خداست. همان مشکلی که غرب را هم به ابتذال و بن‌بست کشیده و یا خواهد کشاند. مشکل اصلی شما مبارزه طولانی و بیهوده با خدا و مبدأ هستی و آفرینش است ... جناب آقای گورباچف برای همه روشن است که از این پس کمونسیم را باید در موزه‌های تاریخ سیاسی جهان جستجو کرد ... امیدوارم افتخار واقعی این مطلب را پیدا کنید که آخرین لایه‌های هفتاد سال کژی جهان کمونیسیم را از چهره تاریخ و کشور خود بزداید. امروز دیگر دولت‌های همسو با شما که دلشان برای وطن و مردمشان می‌تپد هرگز حاضر نخواهند شد بیش از این منابع زیرزمینی و روزمینی کشورشان را برای اثبات موفقیت کمونیسیم که صدای شکستن استخوان‌هایش هم به گوش فرزندان‌شان رسیده است، مصرف کنند... (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۲۱ / ۲۲۱ و ۲۲۲)

نتیجه

کارویژه اصلی رسانه و به‌ویژه رسانه‌های جمعی در عصر رسانه‌ها، کاشت ایده، هدف، آمال، آرزوهای مشترک، ایجاد جامعه‌ای با آموزه‌های مشترک اجتماعی، تأکید بر بنیان‌ها و شکل‌دهی به ساختار هویتی نسبت به مبانی فرهنگی و ایدئولوژی است. اتحاد شوروی از زمان تکوین در پی «انسان شورویایی» و هویتی بر پایه سوسیالیسم، از ابزارهای رسانه‌ای در جهت نیل به یکپارچگی و گذار از تفرد و ایندیویدوالیزم به جامعه سوسیالیسم بوده و هویت مبنایی خود را با این ایدئولوژی تعریف می‌نماید. در مسیر شالوده‌سازی این جهان‌بینی، حتی سران شوروی به دوالیزم معرفتی و ذهنیت پارادوکسیکال ملی یا جهانی، ایدئولوژی یا واقعیت دچار می‌گردند. برآیند سیاست‌ها و برنامه‌های ایجاد هویت جدید، ایجاد احساس مشترک میان ملت‌ها و اقوام منطقه برای عدم توجه به حصار مرزهای موجود بود نه هویت جدید سوسیالیستی. (سنایی، ۱۳۸۷: ۲۲۱ و ۲۲۲)

به زعم تافلر که از دو گونه جامعه ظرف سالادی و دیگ همجوش نام می‌برد، اتحاد شوروی، ظرف سالادی بود که بر خلاف جوامع دیگ همجوشی چون ایران که اقوام و ملیت‌ها در طول هزاران سال درهم تنیده و جوشیده شده‌اند و امتزاج فرهنگی و طعم‌پذیری در میانشان در بستر زمانی تاریخ محقق گردید؛ لذا خاصیت ظرف سالادی بودن اتحاد شوروی و قابلیت تفکیک و انفکاک این محصول، چینش اقوام و ملیت‌ها در کنار همدیگر و ضمیمه ابعاد متضاد اسلام و کمونیسیم، خطی بر بطلان این اتحادیه بود.

منابع و مأخذ

۱. آقایی، سید داود، ۱۳۸۷، «نقد و بررسی نظریه‌های مطرح درباره نقش رسانه‌ها در مدیریت بحران»، فصلنامه رسانه و مدیریت بحران (۲)، سال پانزدهم، شماره ۵۹.
۲. اسپوزیتو، جان. ال، ۱۳۸۸، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، تهران، باز.
۳. امام خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۶۱، صحیفه نور، تهران، وزارت ارشاد.
۴. امیری، ابوالفضل، ۱۳۸۸، تهدید نرم: تهاجم فرهنگی، ناتوی فرهنگی و راهکارها، تهران، پگاه.
۵. اینگلیس، فرد، ۱۳۷۷، نظریه رسانه، ترجمه محمود حقیقت کاشانی، تهران، مرکز تحقیقات صدا و سیما.
۶. بیکی، مهدی، ۱۳۸۸، قدرت نرم جمهوری اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۷. تافلر، آلوین، ۱۳۷۴، موج سوم، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران، نشر فاخته.
۸. چامسکی، نوام، ۱۳۸۵، کنترل رسانه‌ها، ترجمه ضیا خسروشاهی، تهران، درسا.
۹. حاجتی، میراحمدرضا، ۱۳۸۲، عصر امام خمینی، قم، بوستان کتاب.
۱۰. داستانی بیرکی، علی، ۱۳۸۶، امام خمینی علیه السلام از نگاه نخبگان جهان، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۱. رنجبران، داود، ۱۳۸۸، جنگ نرم، تهران، ساحل اندیشه تهران.
۱۲. ساندرس، فرانسیس استانر، ۱۳۸۲، جنگ نرم فرهنگی، ترجمه بنیاد فرهنگی پژوهشی غرب‌شناسی، تهران، غرب‌شناسی.
۱۳. سراج، رضا، ۱۳۸۸، راهبرد جنگ نرم آمریکا بر ضد جمهوری اسلامی ایران، در مجموعه مقالات قدرت و جنگ نرم از نظریه تا عمل، تهران، نشر ساقی.
۱۴. سنایی، مهدی، ۱۳۸۷، هویت و دولت در آسیای مرکزی» به نقل از: ایران و مطالعات منطقه‌ای: آسیای مرکزی (مجموعه مقالات)، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۱۵. شفایی، امان‌الله، ۱۳۸۸، «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر تحولات سیاسی منطقه قفقاز»، فصلنامه علوم سیاسی، سال دوازدهم، شماره ۴۸.
۱۶. شکوری، شریف و رستم شکوری، ۱۳۸۶، آسیای مرکزی در آمدی بر روحيات مردم، ترجمه محمد شکوری بخارایی و منیژه قبادیانی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۷. ضیایی پرور، حمید، ۱۳۸۳، جنگ نرم، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعاتی و تحقیقاتی بین‌المللی ابزار معاصر، ص ۱۲۹.
۱۸. عرب، هادی، ۱۳۹۰، «فیس بوک، تویترو شبکه‌های اجتماعی و نقش آن در جنگ نرم و انقلاب‌های

